

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۷

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۲

جایگاه موعودگرایی در آیین بودای تبتی و علل گرایش به آن در عصر حاضر

علی موحدیان عطار*
ابوالقاسم جعفری**

چکیده

میتریه، موعود منجی در آیین بوداست که متون مقدس همه سنت های بودایی، آمدن او را پیش گویی کرده اند. اصل و اساس این پیش گویی ها به سخنان بودا در سه سید کانون پالی بازگشت می کند، اما در طی زمان، در هر یک از سنت های بودایی ویژگی هایی پیدا کرده است که در سنت های دیگر دیده نمی شود. از همین رو، اهمیت و جایگاه امروزی میتریه در هر یک از سنت های بودایی نیز متفاوت شده است. موعودگرایی آیین بودای تبتی به دلیل تأخر زمانی و تأثیرپذیری از آیین هندو، گاهی موضوعاتی مانند رویارویی با ادیان ابراهیمی، به ویژه اسلام را در خود دارد که مورد توجه بسیار شرق شناسان نیز قرار گرفته است. همچنین از آن جا که میتریه با مسئله حکومت جهانی آینده در پیوند است، تأکید دالایی لامای چهاردهم - رهبر سیاسی و مذهبی آیین بودای تبت - بر احیای نام میتریه و ساخت بزرگ ترین تندیس از میتریه در شهر «بودگیا» ی هند - که طبق نقل تاریخ، بودا در آن جا به اشراق رسید - از نظر مذهبی و سیاسی اهمیتی ویژه پیدا می کند. نوشتار حاضر ابتدا جایگاه میتریه در سنت تبتی و ویژگی های خاص آن را بررسی می کند و سپس به علل اصلی گرایش به احیای مجدد آن در تبت می پردازد.

واژگان کلیدی

موعودگرایی، میتریه، آیین بودای تبتی، دالایی لاما، کلکی، کاله چکره.

* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

** دانشجوی دکتری دین پژوهی و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب. (نویسنده مسئول)
(agjafari@yahoo.com)

مقدمه

از سال ۱۹۹۰ در شهر بودگیای کوشیناگار از ایالت اوتارپرادش هند، جایی که گفته می‌شود بودا در آن جا به بیداری رسید، مجسمه‌ای به ارتفاع ۱۵۲ متر در حال ساخت است که قرار است به نماد صلح جهانی تبدیل شود.^۱ این مجسمه، مجسمه بودا نیست، بلکه مجسمه میتریه، بودای آینده است که همه سنت‌های بودایی، او را به عنوان منجی موعود در آخرالزمان معرفی کرده‌اند. طرح ساخت این مجسمه، مورد حمایت برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی نیز قرار گرفته و به پروژه میتریه معروف است.^۲

مدیران ساخت این مجسمه که طرح‌های اولیه آن را به شرکت‌های امریکایی سفارش داده‌اند، استادان آیین بودای تبتی هستند که پس از اشغال تبت توسط چین به هند رفته و در آن جا زندگی می‌کنند. دلایلی لاما، رهبر این بوداییان در تبعید است که از ساخت این مجسمه پشتیبانی کرده و براحیای اندیشه میتریه - بودای آینده - در عصر حاضر تأکید نموده است.^۳

برای مشخص شدن میزان اهمیت موعودگرایی در آیین بودای تبتی و نیز بررسی منافی که از احیای این اندیشه برای بوداییان تبعیدی در هند به دست خواهد آمد، ناگزیر باید به اختصار، ابتدا به جایگاه آیین بودای تبتی در میان سنت‌های دیگر آیین بودا و منجی موعود در متون مقدس و فرهنگ آیین بودای تبتی پردازیم، سپس علل سیاسی و دینی احیای این آموزه را بررسی کنیم.

آیین بودا و سنت‌های اصلی

تحقیقات اخیر نشان داده است که زمان زندگی بودا در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد، و مکان زندگی او در جایی نزدیک مرز شمال هند و نپال امروزی بوده است (هینلز، ۱۳۸۴: ۲۳). نام اصلی بودا سیدارته گئوتمه^۴ بود که در جوانی در جست‌وجوی حقیقت زندگی، قصر پدر را ترک گفت و به گروهی مرتاض پیوست. ادعای سیدارته این بود که موفق شده است از طریق مراقبه^۵ رهایی را برای رهایی از چرخه تناسخ (= سنساره)^۶ و رسیدن به بیداری درون، روشن

۱. درباره این‌که این مجسمه قرار است به عنوان نماد صلح جهانی تلقی شود، نک: Geavy and Others, 2012: 152

۲. www.maitreyaproject.org

۳. برای آگاهی از میزان تأثیر افکار دلایی لاما در ساخت این مجسمه و پشتیبانی از این پروژه، نک: www.lamayeshe.com

۴. Siddhartha Gautama

۵. meditation(jhāna)

۶. samsāra

شدگی^۱ و نیروانه^۲ پیدا کند. «بودا» لقبی است که پس از رسیدن به بیداری درون به سیدارته داده شد. اصلی‌ترین آموزه بودا به چهار حقیقت جلیل معروف است که عبارتند از: حقیقت رنج، حقیقت ریشه رنج، حقیقت فناپذیری رنج، و حقیقت راهی که به توقف رنج می‌انجامد. اما حقیقت راهی که به توقف رنج منتهی می‌شود، خود راهی هشت‌گانه است که عبارتند از: بینش درست، توجه درست، گفتار درست، رفتار درست، معاش درست، تلاش درست، آگاهی درست، و درون‌نگری (مدی‌تیشن) درست، که هر یک از این اصطلاحات باید مطابق با آنچه که در آیین بودا تعریف شده، توضیح داده شوند (Anderson, 2004: 296).

آیین بودا در هند متولد شد و ابتدا به سری لانکا و سپس در حدود قرن اول میلادی به چین، و از طریق چین به تمامی کشورهای جنوب شرق آسیا رسید. شواهد تاریخی نشان می‌دهد آیین بودا از قرن هشتم در خود هند رو به افول گذاشت، ولی با ورود اسلام به هند در قرن یازدهم این افول شدت گرفت (3: Elverskog, 2010). امروزه، آیین بودا دو مکتب اصلی به نام‌های هینه‌یانه^۴ و مه‌یانه^۵ دارد که هر یک از آن‌ها نیز به فرقه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. هینه‌یانه لقب تحقیرآمیزی است که سنت مه‌یانه به تیره‌واده‌ها داده است تا بگوید آن‌ها مکتب کاملی ندارند. امروزه آیین بودای تیره‌واده در سری لانکا، تایلند، برمه، لائوس و کامبوج جریان دارد. آیین بودای مه‌یانه، خود دو نوع کلی دارد؛ یعنی مه‌یانه شرق آسیا که در چین، ژاپن، ویتنام و کره جریان دارد و نوعی آیین بودای خاص فهم به نام وجره‌یانه^۶ در تبت، مغولستان، نپال و بخشی از نواحی چین و کشورهای آسیای مرکزی.

آیین بودای تبتی که نام دیگر وجره‌یانه است، در اصل از آیین بودای مه‌یانه منشعب شده و اندیشه بوداسفی را پذیرفته، اما با عقاید بومی تبت درآمیخته و ماهیت ویژه‌ای پیدا کرده است. آیین بودا به هر سرزمینی که وارد شده، با ادیان بومی، فرهنگ و آیین‌های محلی آن سرزمین ترکیب شده و با برخی از آن‌ها مانند احترام به ارواح نیاکان یا عقیده به خدایان (دئوها) به سازگاری رسیده است.

نام دیگر آیین بودای تبتی، «وجره‌یانه» است که زیرمجموعه مه‌یانه به شمار می‌آید، اما به دلیل اهمیتی که امروزه پیدا کرده است، گاهی وجره‌یانه را قسیم هینه‌یانه و مه‌یانه

1. enlightenment (bodhi)
2. nibbāna
3. Buddha
4. Hinayāna
5. Mahāyāna
6. Theravāda
7. Vajrayāna

می‌شمارند. وجره‌یانه^۱، شکلی ویژه از آموزه‌های بودایی است که دین غالب مردم تبت و برخی نواحی مجاور آن را تشکیل می‌دهد.

معنای مشهور وجره‌یانه، «راه الماس» است؛ بدین معنا که این راه، همانند الماسی سخت، موانع نجات و رهایی را از پیش روی رهرو بودایی برمی‌دارد. آیین بودای تبت به دنبال رهایی از چرخهٔ سنساره یا تناسخ از دو راه مناسک و انجام مراقبه است و کرمه‌های بد را دلیل گرفتاری بشر در چرخهٔ سنساره می‌داند. آن‌چه رهرو دین بودایی را به رهایی می‌رساند، خلوص و صفای باطن است. بوداییان وجره‌یانی، گرچه خود را پیرو بودای تاریخی، سیدارته گئومه می‌دانند، اما عقاید و مناسک آنان با آموزه‌های اولیهٔ بودا و دیگر سنت‌های بودایی تفاوت‌هایی آشکار دارد. در آیین بودای اولیه، اعتقاد به خدا مطرح نیست، اما در وجره‌یانه انبوهی از خدایان، بوداها و بوداسف‌ها پرستش می‌شوند. بودای تاریخی، وجود روح و نفس (آتمن) را نفی کرد، ولی وجره‌یانه به وجود نوعی خود درونی و حتی ارواح نیاکان اعتقاد داشته و به آنان احترام می‌گذارد. در وجره‌یانه ارزش مناسک و شعایر دینی معادل عمل مراقبه (مدی تیشن) است و همچنین در این آیین، کتاب مقدس و لاما (=استاد) هر دو اهمیت یکسانی دارند و حتی اهمیت تجربهٔ روشن‌شدگی استاد بیش از تصریحات متن مقدس است و از این رو، شجره‌نامهٔ انتساب استادان به دو بوداسف میتریه و منجوشری، اهمیتی ویژه دارد.

پس از اشغال تبت توسط چین کمونیست در اواسط قرن بیستم و مهاجرت دالایی لامای چهاردهم به هند و سپس رابطهٔ نزدیک او با غرب، این نوع از آیین بودا به خوبی به غربیان معرفی شده است و گاهی آن را به نام لامائیسزم^۲ می‌شناسند.

میتریه در سنت‌های مختلف بودایی

نام میتریه در زبان هر یک از کشورهای بودایی تفاوت دارد. او را در کانون پالی، یعنی متون مقدس سنت هینه‌یانه، میته^۳ یا میته^۴، و در کانون سنسکریت، میتری^۵ یا میتریه^۶ نامیده‌اند. در سنگ‌نوشته‌های یونانی - رومی دورهٔ کوشانی^۷ در هند، از او به متراگو بوودو^۸ نام برده‌اند. او

1. vajrayāna
2. Lamaism
3. Metta
4. Metteyya
5. Maitri
6. Maitreya
7. Kushana
8. Metrago Boudo

را به مغولی میدری،^۱ به چینی میلو،^۲ به کره‌ای میری‌ئک،^۳ به ژاپنی میروکو^۴ و به تبتی^۵ «بیام پا» یا «چم - پا» می‌خوانند (Kim, 1997: 9). همه این واژگان، به جز نام تبتی میتریه، از واژه سنسکریت میتریه یا میتری مشتق شده‌اند. اما در تبت، واژه‌ای مترادف با معنای میتریه یعنی «شخص مهربان» یا «آن که زنده است» را به کار برده‌اند و گاه نامی رمزی به او می‌دهند (Snodgrass, 1997: 245). در برخی از متون مذهبی تبت مانند «کاله چکره تنتره»،^۶ موعود بودایی را «کلکی»^۷ نامیده‌اند که عنوانی شناخته شده برای آخرین اوتاره^۸ ویشنو است. اطلاق کلکی به موعود بودایی در این کتاب، نشان از تأثیر آیین هندو بر متن این تنتره دارد که در ادامه به آن بیشتر خواهیم پرداخت.

تندیس میتریه در تاریخ کشورهای بودایی از قدیمی‌ترین تندیس‌ها به شمار می‌رود. تصاویر و تندیس‌های فراوانی از میتریه وجود دارد که نام او را در ذیل آن نوشته‌اند و حتی قدیمی‌ترین آثار مربوط به میتریه، به قرن اول قبل از میلاد می‌رسد (Kim, 1997: 9). میتریه از نظر هستی‌شناسی بودایی یک «بوداسف» به شمار می‌آید. «بوداسف» واژه‌ای ایرانی و معادل بودی‌ستوه^۹ سنسکریت است. این واژه هم به معنای کسی است که به دنبال روشن‌شدگی است و هم به معنای کسی است که به روشن‌شدگی و نیروانده رسیده است، ولی از رفتن به نیروانده کامل، یعنی پری نیروانده (= مرگ) سر باز می‌زند تا دیگران را در راه روشن‌شدگی کمک کند. این واژه نخستین بار در مجموعه متون جاتکه^{۱۰} ها که داستان زندگی‌های گذشته بودا را در خود دارد، به عنوان لقب بودا مشاهده می‌شود. در آن جا بودا هنگامی که به زندگی‌های گذشته‌اش اشاره می‌کند، می‌گوید: «هنگامی که بوداسف بودم...» یعنی زمانی که هنوز خود به بوداگی و روشن‌شدگی نرسیده بودم، اما در راه رسیدن با این مقام، فاصله‌ای نیز نداشتم. (Schumacher, 1994: 46).

میتریه نخستین بوداسف و تنها بوداسف شناخته شده‌ای است که مورد پذیرش هردو مکتب هینه‌یانه و مهاییانه است (Hawkins, 1999: 51). اولوکیئتسوزه، منجوشری و میتریه، سه بوداسف معروف آیین بودای تبت هستند.

1. Maidari
2. Mi-lo
3. Miryek
4. Miroku
5. Byama-pa
6. Kalacakra tantra
7. Kalki
8. Bodhisattva
9. Jataka

اهمیت متون مقدس در آیین بودا

در آیین بودای اولیه، متون مقدس که درمه (یعنی آموزه‌های بودا) را در خود دارد، جانشین بودا انگاشته و از این رو در درجه اول اهمیت قرار می‌دادند، اما این سنت در آیین بودای مهاییانه رو به ضعف نهاد. در سوته چگه‌وتی (به سنسکریت: سوتره چکره ورتین) و همچنین سوته مهاپری نیروانه (سوتره مهاپری نیروانه)، در کانون پالی، آمده است که بودا جانیشینی از میان شاگردان خود انتخاب نکرد و پیروانش را برای دوره پس از خود، به خود آیین یا همان درمه‌ای که به آنان آموخته بود، ارجاع داد. بودا در کتاب *مهاپری نیروانه* خطاب به شاگردش آینده می‌گوید:

ای آینده، ممکن است پس از من بعضی از شما چنین فکر کنید که سخنان استاد تمام شد، ما دیگر استاد نداریم؛ اما ای آینده، به سخن آنان توجه نکنید؛ زیرا آنچه را که من نشان دادم و به نام درمه و نظام [دیری] به شما آموختم، پس از من استاد شما خواهد بود.

همچنین، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، بودا ذات خود را با درمه یک حقیقت واحد می‌دانست: کسی که درمه را ببیند مرادیده است و کسی که مرا ببیند درمه را دیده است. (Cantwell, 2010: 91)

بدین ترتیب، طبیعی بود که پیروان او به این سخنان، اهمیت فراوان قائل شوند و سخنان او را به صورت شفاهی حفظ کنند. این سنت شفاهی که چند قرن پس از بودا نگارش یافت، در دست رهروان هینه‌یانه‌ای بدون شرح و تفسیر حفظ شد، ولی رهروانی که بعدها مکتب خود را مهاییانه نامیدند، به شرح و تفصیل آن سخنان و حتی افزودن تجربه‌های خود به آن مجموعه پرداختند. سخنان بودا در مراحل از تاریخ این آیین اهمیت بسیاری پیدا کرد و تجسم خود بودا و درمه او تلقی گردید. سخنان بودا نخستین بار در مجموعه‌ای به نام *تی‌پیکه*^۱ یا «سه سبد» که به کانون پالی نیز مشهور است جمع‌آوری و مکتوب شد و برای نخستین بار نام *میتریه*، در این کانون آمده است و از این رو اندیشه موعود منجی در آیین بودا اصالت دارد.

میتریه در متون مقدس بودایی

نام *میتریه* برای نخستین بار در سوته چکه‌وتی (یعنی سوتره شاه جهان) در کانون پالی آمده است و از همین منبع به متون مقدس همه سنت‌های بودایی راه یافته و در همه سنت‌ها

1. Tipitaka(Tripitaka)

شناخته شده است. دیگر متن مهم هینه‌یانه‌ای که از میتریه یاد کرده است کتاب *گفتار وقایع آینده* است که به تفصیل، آمدن میتریه در آخرالزمان و اتفاقات مربوط به آن دوران را شرح می‌دهد (جعفری، ۱۳۹۰: ۶۷). در مه‌ایانه نیز در اصلی‌ترین کتاب‌ها نام میتریه آمده است. مهم‌ترین سوتره مه‌ایانی یعنی سوتره گل نیلوفر از میتریه یاد کرده و آمدن او را پیش‌گویی نموده است (همو: ۸۵). اما از کتاب‌های مهم و جریانه در تبت، می‌توان از زمبسته^۱ نام برد که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تبتی است. این کتاب یک فصل کامل و طولانی خود (فصل ۲۲) را به توصیف تفصیلی دولت مبارک و توأم با صلح جهانی میتریه اختصاص داده است. در این متن، همانند تعدادی از متون سنت‌های دیگر، پیش‌گویی شده است که در آخرالزمان طول عمر بشر هشت هزار سال خواهد شد؛ هیچ گدا و دزدی وجود نخواهد داشت؛ هیچ بیماری و آتش‌سوزی در کار نخواهد بود؛ زمین با تمام قوا محصولات خود را بیرون خواهد داد...؛ در این هنگام میتریه به سان چهار بودای پیش از خود - کرچوکنده، کنکمون، کشیپه و گوتمه - خواهد آمد و با آمدن خود، چرخ آیین را به گردش در خواهد آورد (Snellgrove, 2000: 339).

همچنین کتاب دیگری به نام سوتره سم‌دینیرموچنه^۲ وجود دارد که از میتریه یاد کرده است. اصل این سوتره - که متنی تبتی است - یکی از آثار مهم فلسفه بودایی اصیل هندی است که به تبت راه یافته است. کانون اصلی این سوتره، سؤالات میتریه است و مهم‌ترین آموزه‌های این کتاب، توسط میتریه مطرح شده و توسط بودا پاسخ داده می‌شود. این کتاب یکی از منابع مهم متنی برای مراقبه (مدی‌تیشن) به سبک هندی است و در آن شرحی بر آموزه‌های آرامش ذهنی و نگرش والا^۳ و نیز دیدگاهی قابل فهم از «راه بیداری»، آن چنان که از مکتب یوگاچاره ادراک می‌شود، آمده است. میتریه در این سوتره نشان می‌دهد که از بینش و بصیرت فراوانی بهره‌مند است و از درمۀ حقیقی و فلسفه نیروانه سخن می‌گوید. در فرازی از این سوتره میتریه سخنی می‌گوید که نشان از ادراک عمیق او نسبت به چهار حقیقت شریف و درمه دارد:

بوداها را می‌بینم؛ شیرمردان مقدس را که سوتره‌ها را که خوب، شگفت‌انگیز و والا هستند، تعلیم می‌دهند. ... تعلیم نیروانه برای آن‌هایی است که رنج می‌کشند یا نگران پیری، بیماری و مرگند، تا تمام رنج را به آخر برسانند. (Powers, 1998: 387)

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که میتریه در متون مختلف دینی بوداییان، به ویژه تبت کاملاً مطرح و تأثیرگذار بوده است.

1. Zambasta
2. Samdhinirmocana-Sutra
3. vipaśyana

کاله چکره تنتره و پیش‌گویی جنگ‌های آخرالزمانی

متنی تبتی به نام کاله چکره تنتره^۱ وجود دارد که در آن به نام برخی از انبیای الهی اشاره شده و از این رو مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. به دلیل اهمیت این متن، به طور جداگانه به آن می‌پردازیم. کاله چکره تنتره، متنی دینی و متعلق به سنت تنتری هند است که در قرن یازدهم میلادی نوشته شده و در مدت کوتاهی نسخه‌های آن به تبت رسیده است. از آن جا که اساس تعالیم این کتاب را دو آموزه «اندیشه بوداسفی» و «دلسوزی» به موجودات تشکیل می‌دهد مشخص شده است که متنی مهیانی است (Hammar, 2005: 5). «کاله چکره» واژه‌ای سنسکریت به معنای «چرخه زمان» است و به الوهیت زمان اشاره دارد. آموزه اصلی کاله چکره، همانند دیگر تنتره‌های وجریانی، اعمال مراقبه‌ای (نوعی عالی از مدی‌تیشن) و تفاسیری پیچیده از کالبد‌های مختلف بوداست. برخی از استادان بودایی تصریح دارند که کاله چکره، پیشرفته‌ترین شکل تمرینات وجریانه است. سنت کاله چکره، بر مدار و محوریت مفهوم زمان یا کاله^۲ و چرخه^۳‌ها قرار دارد. این چرخه‌ها از چرخه‌ها و گردش سیارات گرفته تا چرخه‌های دم و بازدم را شامل می‌شود. این نظام، تمریناتی را درباره انرژی‌های بسیطی که در بدن انسان قرار دارد و در راه طریق اشراق بودایی مؤثر است، می‌آموزد. بخش الوهیت نظام کاله چکره، توصیف بودایی است که عالم مطلق است. از آن جا که کاله چکره، بخش مینوی و کمال زمان است، از همه چیز آگاه و لایتناهی است و در بند زمان نبوده و از سیطره آن خارج است (Ibid: 40).

کاله چکره در تبت رواج داشت و در قرن چهاردهم که مغول‌ها به آیین بودا گرویدند، سنت کاله چکره در میان آن‌ها نیز رواج پیدا کرد. امروزه دالایی لاما و دیگر لاما‌های تبتی این سنت را به شدت در غرب رواج می‌دهند و مراسم کاله چکره هر چند سال یک بار در کشوری برگزار می‌شود. برای مثال، در آوریل سال ۲۰۰۴ در شهر تورنتوی کانادا برگزار شد و هشت هزار نفر به دست دالایی لاما به مکتب کاله چکره درآمدند. در ژانویه ۲۰۰۶ در شهر امروتی هند صد هزار نفر، در جولای ۲۰۱۱ در واشینگون امریکا هشت هزار نفر و در ژانویه ۲۰۱۲ در شهر بودگیای هند دویست هزار نفر به همین طریق به دست دالایی لاما به مکتب کاله چکره وارد شدند.^۴ این مراسم، تشریفات ساده‌ای دارد و دالایی لاما مدعی است که با چنین تشریف ساده‌ای افراد را

1. Kālacakra tantra
2. kāla
3. cakra

۴. برای مشاهده آمار کامل این مراسم و تعداد گروندگان به آن، نک:

www.dalailama.com/teachings/kalachakra-initiations

تحت عنایت معنوی خود درمی آورد.^۱ گفتنی است شعار دالایی لاما در برگزاری گسترده این مراسم، حمایت از صلح جهانی است، اما در متن مقدس کاله چکره، یعنی کتاب کاله چکره تتره - که این مراسم بر مبنای آموزه‌های آن متن ترتیب یافته است - به یک نبرد آخرالزمانی میان لشکر اسلام و بوداییان اشاره شده و به نوعی تبلیغ تلویحی علیه اسلام بدل گردیده است. برای ارائه تصویری درست از محتوای این متن، بهتر است بررسی خود را از قطعه ۱۵۰ کاله چکره تتره شروع کنیم. این قطعه، توصیفی ارائه می‌کند از این که شامبالا - شهر افسانه‌ای بوداییان تبتی که معتقدند کلکی‌ها (موعودهای آخرالزمانی) در آن جا ساکنند - در کجای کیهان‌شناسی بودایی قرار دارد و توضیح می‌دهد که در مرکز ناحیه «جمبودیپه» (نیزار)، کوهی به نام کیلاشه^۲ وجود دارد و شامبالا که دارای ده میلیون آبادی است در سمت راست این کوه است. این قطعه می‌گوید تعداد ده عدد از تجلیات بودا با نام کلکی وجود دارند که در عین حال، اوتاره‌های ویشنو (مهم‌ترین خدای هندوان) نیز هستند. هامبر که شرحی بر کاله چکره تتره دارد می‌گوید: «این قطعه تأییدی بر نفوذ ویشنوپرستی در متن کاله چکره است» (Ibid: 82). سپس این قطعه از شاهی به نام چکره پانی^۳ صحبت می‌کند که دشمن دیوانی است که به دنبال حکومت هستند. چکره پانی صد سال به عنوان بیست و سومین شاه بر شامبالا حکومت خواهد کرد. این شاه قرار است با ملیکا^۴ - شاه بربرها - بجنگد. قطعه بعدی یعنی قطعه ۱۵۴ نیز بسیار مهم و مورد توجه شرق‌شناسان مشهوری مانند نیولی، اوروفینو و هوفمان قرار دارد (Hoffman, 1969: 52-73). در این فراز، مجموعه‌ای از چهره‌ها آورده شده‌اند که در خدمت مارهای اهریمنی هستند. این افراد عبارتند از: آدم، نوح، ابراهیم، عیسی (فرد سفیدپوش)، و محمد ﷺ (متنهانی)^۵ که در بعضی نسخه‌ها (مدهوماتی)^۶ نیز گفته شده است. این متن پیش‌گویی می‌کند که محمد ﷺ در بغداد، در کشور مکه زاده خواهد شد؛ زیرا فرض کتاب بر آن است که این سخنان، نه در قرن یازدهم میلادی، بلکه در قرن پنجم قبل از میلاد، توسط بودا به شاه شامبالا گفته می‌شود. محمد ﷺ و تعالیم او به عنوان تعالیمی که در مقابل تعالیم بودایی قرار دارند قلمداد شده و کلکی - یعنی همان میتریه - با لشکر اسلام به نبرد خواهد پرداخت. قطعه ۱۵۵ نیز ادامه می‌دهد که بربرها کشندگان شتران، اسب‌ها و

۱. برای آگاهی از این مراسم و چگونگی تشریف، نک: www.kalachakranet.org

2. Kailaśa
3. Cakrapani
4. mleccha
5. Mathanī
6. Madhumati

گاوها[ی مقدس] هستند. قطعاً ۱۵۶ این کتاب نیز تأییدی بر تأثیرپذیری شدید این متن از آیین هندو است و می‌گوید: «بودا در واقع، متون وداها (کتاب مقدس هندوان) را تعلیم می‌داده است» (Hammar, 2005:82-83).

محقق دیگری به نام والاس همه این فرایندها را به نوعی توجیه معنوی می‌کند و به تأویل می‌برد. به باور او، این بخش از متن کاله چکره، باطن فرد را به عنوان یک میدان جنگ ترسیم می‌کند که در آن، جنگی میان شاه چکری و بربرها در سرزمین مکه واقع خواهد شد. طبق متن روشن است که آغاز این جنگ در داخل بدن فرد اتفاق می‌افتد. در این نبرد، کلکی نه به معنای موعود منجی آخرالزمان بلکه به معنای «معرفت درست»،^۱ و کرنامارتی^۲ موجودی شرور در داخل بدن است. بازوی کرنامارتی که شامل چهار طبقه «ماره» در داخل بدن است، توسط نادانی معنوی (ادیدیه)^۳ هدایت می‌شود. پیروزی کلکی در نبردش برای به دست آوردن رهایی (مکشه)^۴ است. بنابراین طبق نظر این محقق، از بین رفتن اشوتاما (نادانی معنوی یا لشکر اسلام) به معنای ریشه‌کن شدن ترس از هستی چرخه‌ای است و این نبرد را کاملاً می‌توان نبردی باطنی دانست (Wallace, 2001: 147).

نقد و بررسی محتوای پیش‌گویانه کاله چکره

کاله چکره تتره متنی متأخر و مربوط به قرن یازدهم میلادی است. در این زمان، شمال هند به تسخیر فاتحان مسلمانی مانند سلطان محمود غزنوی درآمده بود. سلطان محمود غزنوی که به نام جهاد به هند حمله کرد، در طول سی سال حکومت خود در آن کشور، هیچ مسجد یا مرکز علمی خاصی تأسیس نکرد و نشان داد که بیش از آن‌که به دنبال ترویج اسلام باشد مشتاق کشورگشایی و جمع ثروت است (همدانی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۹۳). انعکاس رفتار این جهانگشایان در متن کاله چکره و چند متن دیگر انعکاس یافته است. از جمله متنی ختنی و متنی اویغوری به نام *اینسادی سوتره*^۵ است که افول بخت و اقبال آیین بودا را به خاطر پیروزی‌های لشکر اسلام پیش‌گویی کرده و نیز گفته است که میتربه به زودی خواهد آمد و لشکر اسلام را شکست خواهد داد (Scott, 1995: 143).

از دیگر نمونه‌های آمیختگی آیین بودا در تبت که به تبع آن جایگاه میتربه نیز دستخوش

1. Samyag-jnana
2. Krnamarti
3. adidya
4. mokša
5. Insadi Sutra

تحول می‌شود، آمیختگی آن با مفاهیم هندوویی است. برای مثال، در نسخه‌ای تبتی از وصف دوران ظهور میتریه آمده است:

سرانجام همهٔ مردم روی زمین پیرو میتریه خواهند شد، حتی [موجودات آسمانی مانند] دیوها، گندروه^۱ها، یکشه‌ها و رکشسه‌ها^۲ او را خواهند پرستید. بله، حتی خدایانی مانند برهما و ایندرا او را خواهند ستود. مردم از وهم و مایا^۳ خواهند رست و به زندگی مقدسی رهنمون خواهند شد. (Chitkara, 1999: 443)

به این ترتیب، با مقایسهٔ متون اصیل بودایی که در کانون پالی و سوتراه‌های مهاییانی آمده است، بر آن چه در دو متن *کاله چکوه و اینسادی سوتره* بیان شده است به نتایج ذیل می‌رسیم:

۱. رویارویی نظامی به‌ویژه با لشکر اسلام، یا هر گونه دین الهی در متون اصیل بودایی نیامده و از افزوده‌های بعدی به این متون است.

۲. اطلاق «کلکی» به جای میتریه نیز اندیشه‌ای متأخر و مخصوص متون متأخر تبتی بوده و نشان از آمیختگی اندیشه‌های بودایی و هندو دارد؛ پس اندیشه‌ای اصیل نیست.

۳. بیان این مطلب که بودا محتوای وداها را تعلیم می‌داده است با حقایق تاریخی و گواهی اکثر متون مقدس سنت‌های هینه یانی و مهاییانی سازگار نیست و ثابت می‌کند که محتوای *کاله چکوه*، نه اندیشه‌ای خاص از آیین بودا، بلکه حتی نوعی بدعت در سنت بودایی است و گرایش به بازگشت به آیین هندو دارد.

۴. سرانجام می‌توان چنین نتیجه گرفت که نویسنده یا نویسندگان *کاله چکوه* تتره در صدد تلفیق اندیشه‌های بودایی و هندو بوده‌اند و این تلفیق شتاب‌زده را به بودای تاریخی نسبت داده‌اند که با شواهد تاریخی و حتی شواهد درون دینی دیگر سنت‌های بودایی سازگار نیست.

۵. رفتار تهاجمی و غیردینی کشورگشایان مسلمان، مانند محمود غزنوی و اسلاف و اخلاف وی، در به‌وجود آمدن چنین دیدگاه‌هایی مؤثر بوده است.

۶. با وجود اصالت نداشتن دیدگاه رویارویی آیین هندو با اسلام، امروزه این نظریه شرایط مساعدی برای رشد داشته و می‌تواند به وسیله‌ای برای جریانات ضد اسلامی بدل شود.

کتاب‌های منسوب به میتریه

میتریه *ناه*^۴ مجموعه کتاب‌هایی است که از عصر اسنگه، بنیانگذار مکتب یوگاچاره، به

1. Gandharva
2. Rakshasa
3. Maya
4. maitreyanātha

میتربیه نسبت می‌دهند. آسنگه در آثارش مدعی است که این کتاب‌ها تعالیم میتربیه هستند که او در حالتی مکاشفه‌گون آن‌ها را دریافت کرده است (Prebish, 2006: 169). این کتاب‌ها که به عقیده گُنزه باعث عمومیت یافتن میتربیه‌گرایی در بین سال‌های ۴۰۰ تا ۶۵۰ میلادی به‌ویژه در چین شد (Conze, 1954: 60)، بر سراسر اندیشه مهاییانی پس از خود به‌ویژه تبت تأثیر گذاشته و هم‌اکنون نیز مورد توجه است. به دیگر سخن، امروزه یکی از مجموعه کتاب‌هایی که در تبت به صورت متن درسی در دیرها تدریس می‌شود و انواع خاصی از مراقبه (مدی تیشن) بر اساس تعالیم آن تنظیم شده، همین مجموعه منتسب به میتربیه است. می‌گویند سیدارته گتمه، بنیانگذار آیین بودا با نخستین موعظه‌اش در باغ آهو، نخستین گردش چرخ آیین را در هند موجب شد. در این دوره ناگارجونه^۱ (۱۵-۲۵۰ م.) مکتبی به نام راه میانه یا مادیمیکه^۲ را بنیانگذاری کرد که به لحاظ اهمیت سرشار آن، دومین گردش چرخ آیین شمرده شد. و اما سومین گردش چرخ آیین نیز با شکل‌گیری مکتبی بود که یوگاچاره یا ویجینیانه‌واده^۳ نام گرفت. یوگاچاره بر عمل دیانه^۴ تأکید می‌کرد و تلفیق‌کننده آموزه‌های مهاییانه با آموزه‌های مکتب ابی‌دمه^۵ آغازین به شمار می‌رفت. پس از دوره ناگارجونه - یعنی قرن سوم میلادی - دوره جدیدی با نام میتربیه، آسنگه^۶ و وسوبندو^۷ آغاز می‌شود که تا ابتدای قرن پنجم ادامه دارد. این دوره، دوره دوم آیین بودای مهاییانه و به لحاظ اهمیت آن، سومین گردش چرخ آیین شمرده شد. آسنگه که به گفته خودش دوازده سال از عمرش رایگه و تنها در غاری به مراقبه‌ای بی‌حاصل سپری کرده بود، در اوج ناامیدی موفق به دیدار میتربیه می‌گردد. میتربیه بر او ظاهر می‌شود و او را به بهشت «توشیته»^۸ برده و به او آثاری را که تا آن زمان ناشناخته بود، القا می‌کند.

به طور دقیق روشن نیست که چه بخش‌هایی از آثار یوگاچاره به‌طور مستقیم از تعالیم میتربیه گرفته شده است؛ زیرا سنت‌های چینی و تبتی، کتاب‌ها و آثار مختلفی را به میتربیه نسبت می‌دهند، ولی پنج کتاب معروف منسوب به میتربیه عبارتند از:

۱. آرایه ادراکات^۹ (متنی درباره راه پرگیاپارمیتا)؛

1. Nāgārjuna
2. Mādhyamaka
3. Vijñānavada
4. Dhyāna
5. Abhidhamma
6. Asanga
7. Vasubandu
8. Toṣita
9. Abhisamayalamkara

۲. بازشناسی [راه] میانه، از افراط و تفریط؛^۱

۳. ادراک درمه‌ها و سرشت واقعی آنان؛^۲

۴. آرایه‌ای بر سوتره‌های مهاییانی؛^۳

۵. تعالیم بوداسرشتی^۴ (Williams, 2000: 155).

سه کتاب میانی، اساس مکتب یوگاچاره است که به دلیل اهمیت و تأثیر زیاد این مکتب بر اندیشه‌های پس از خود، سومین گردش چرخ آیین شمرده شد و در تبت نفوذ بسیاری پیدا کرد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت آیین بودا در تبت با نام میتریه و این پنج کتابی که ذکر شد شناخته شده است.

برخی از دانشمندان معاصر، میتریه را انسانی واقعی و معلم اسنگه فرض می‌کنند، ولی از ادعای خود اسنگه به‌ویژه عروج او به آسمان توشیته و صحبت‌های طولانی‌اش با میتریه، به روشنی درمی‌یابیم که مقصود او ارتباط با میتریه - موعود منجی در آیین بودا - بوده است.

آخرین کتاب‌هایی که امروزه در محافل علمی غرب از آیین بودای تبت مطرح است، آثار میتریه و شرح‌های اسنگه به آثار اوست. اهمیت این مطلب تا آن جاست که برخی از محققان معتقدند آیین بودای تبتی، چیزی جز بسط مکتب یوگاچاره - یعنی آموزه‌های میتریه - نیست. از این رو آیین بودای تبتی، بیش از آن‌چه در بدو امر به نظر می‌رسد، وامدار آموزه میتریه است (Bhattacharyya, 1989: 66).

جایگاه میتریه در سلسله‌سند استادان تبتی

میتریه در سنت وجره‌یانه جایگاهی ویژه دارد. استادان تبتی که مهم‌ترین نمایندگان سنت وجره‌یانه هستند، شجره‌نامه استادان را بسیار مهم می‌دانند. این شجره‌نامه در نهایت یا باید به «میتریه» برسد، یا به بوداسفی به نام «منجوشری» که به باور مرتاضان تبتی استاد ناگارجونه بوده است. در تبت، آن‌چه استادان آیین از طریق تجربه فردی به آن رسیده‌اند بسیار مهم‌تر از تعالیمی انگاشته می‌شود که در متون مقدس آمده است. از این رو، استاد و سلسله‌نسب او که باید به میتریه یا منجوشری برسد، اهمیت بسیاری دارد. بدین ترتیب،

1. Madhyantavibhga
2. Dharmadharmatavibhaga
3. Mahayanasutralankara
4. Ratnagotravibhaha

میتریه در یکی از دو سلسله مهم استادان آیین بودای تبت قرار دارد. تبتی‌ها به مجموع آن چه از متن رسیده و آن چه در دست‌والعمل‌های استادان موجود است «لمرین»^۱ می‌گویند. «لمرین میتریه» در مجموع از «لمرین منجوشری» مهم‌تر انگاشته می‌شود؛ زیرا ناگارجونه، شاگرد منجوشری، اندیشه‌های تهیت‌گرایانه را که ناامیدکننده و افراطی بود - ترویج می‌کرد، اما تعالیم میتریه به اسنگه که در مکتب یوگاچاره تجلی پیدا کرد، آموزه‌های ناگارجونه را تعدیل کرد و امید و نشاط را به رهروان بازگرداند. راه ناگارجونه و منجوشری را شجره خرد یا راه عمیق، و راه اسنگه و میتریه را شجره روش یا راه وسیع می‌نامند. هر دوی این سلسله‌ها شامل دست‌والعمل‌هایی درباره روش و خرد هستند، اما در نقاط مورد تأکید، تفاوت دارند. از میان کتاب‌های میتریه، راتناگوتراوییاگه یا «تعالیم بوداسرشتی» و شرحی که اسنگه بر آن نوشته، رایج‌ترین کتاب تعلیمی در میان رهروان تبتی است. موضوع اصلی این کتاب آن است که همه درمه‌ها خالی از واقعیتند و واقعیت مطلق، رهاشدن از همه خیالات و تصورات ذهنی است (Hookam, 1991: 277).

جایگاه میتریه در فرهنگ تبت

تاریخ سنتی تبت می‌گوید که نخستین بار برخی از متون مقدس و از جمله سوتره کزنده ویومه^۲ و اشیای مقدس مذهبی مانند تندیس‌هایی از شکیه مونی، در قرن پنجم میلادی در زمان حکومت بیست و هشتمین شاه تبت به جنوب این کشور رسید. در این سوتره‌ها نام و جایگاه میتریه نیز مطرح بود. اما تاریخ علمی و مستند تبت گواه آن است که نخستین بار در حکومت شاه سرونگ - تسان - گام - پو^۳ (۶۱۶-۶۵۰ م) بود که آیین بودا و هم‌زمان با آن، مجسمه‌ای از میتریه به تبت آمد. شاه تسان - گام - پو دو همسر داشت؛ یکی از دربار نپال و دیگری از دربار چین. این دو بانو در قرن هفتم نه تنها نخستین بار آیین بودا را به تبت معرفی کردند، بلکه با خود پیکره‌هایی از اکشوبیه، میتریه و شکیه مونی به لهاسا آوردند (پاشایی، ۱۳۸۰: ۱۶۰). اما این رویداد چندان موجب گسترش آیین بودا نشد و در دوران شاه کری - سرونگ - د - تسان^۴ (۷۵۶-۷۹۷ م) بود که آیین بودا دوباره به تبت معرفی گردید و نخستین دیر بزرگ تبت به نام سمیه^۵ در آن زمان تأسیس شد. بنابراین، آیین بودا هنگامی که وارد تبت

1. Lamrin
2. Karandavyuha Sutra
3. Srong-btsan-sgam-Po
4. Khri-srong-ide-brtsan
5. Sam-yas

شد، آیینی جوان و کم‌محتوا نبود، بلکه با کوله‌باری از آثار مرتاضان بزرگ درباره بوداها و بوداسف‌ها وارد تبت شد. از جمله این آثار - همان‌گونه که گفته شد - تعالیم میتریه در قالب تعدادی کتاب و مکتب یوگاچاره بود که به تبت آمد و تا به امروز مورد توجه است. مجسمه‌های میتریه در کشور تبت از همان ابتدای آیین بودا وجود داشته و پرستش می‌شده است. قرن یازدهم، قرن مهمی برای آیین بودای تبت به شمار می‌آید؛ زیرا در آن زمان، آتیشه^۱ - استاد بزرگ بودایی - به تبت فراخوانده شد تا تعالیم خود را که بر بنیاد سنت‌های مکتب یوگاچاره، منسوب به میتریه بنا شده بود (همو: ۱۶۴) تعلیم دهد. در آن قرن، زائران مختلفی مجسمه‌ای عظیم از میتریه را در تبت توصیف کرده‌اند که نشان از شور و نشاط میتریه‌پرستی در آن ایام دارد.

آیین بودا در تبت با آیین‌های بُن^۲، آیین بومی تبت، و شیوه‌پرستی - که یکی از مذاهب آیین هندو است - در هم آمیخت. بُن، حاوی اشاراتی بود که نشان می‌داد چگونه می‌توان با نیروی روحی و روانی‌ای که مُرده بر جای گذاشته است، ارتباط برقرار کرد. حاصل ترکیب آموزه‌های بودایی با آموزه‌های بومی تبت، اعتقاد به عالم مردگان، روح، و احترام به ارواح نیاکان بود. کتاب تبتی مردگان به نام بارتوتودل^۳ - که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های بوداییان تبت است - نمونه‌ای از این آمیختگی عقاید را نشان می‌دهد. در این کتاب آمده است که بین مرگ و دوباره به دنیا آمدن، ۴۹ روز فاصله وجود دارد که این کتاب، راهنمای این ۴۹ روز است. همه باید محتوای این کتاب را بیاموزند تا به هنگام مرگ بتوانند آن را به‌کار بندند. دو روز پس از مرگ، میتریه همراه برخی دیگر از بوداسف‌ها بر شخص متوفی ظاهر می‌گردد (تودل، ۱۳۷۶: ۹۸). به این ترتیب، در فرهنگ تبت، میتریه وارد جهان مردگان نیز شده است.

همچنین در این کتاب آمده است:

اگر بخواهی به حضور ارباب میتریه در قلمرو شادمانی برسی، بر این افکار تمرکز کن [و بگو]: «الآن، در مرحله باردو، وقت آن رسیده است که به حضور پادشاه درمه، میتریه در قلمرو شادمانی برسم. پس می‌خواهم که به خدمت او برسم!» آن‌گاه خودبه‌خود در قلب نیلوفر آبی در حضور میتریه متولد خواهی شد. (همو)

امروزه نیز میتریه در تبت جایگاهی ویژه دارد؛ چنان‌که برخی محققان ادعا می‌کنند، میتریه معروف‌ترین بوداسف تبت است (Nithiyanandam, 1989: 18). در گزارش از دیدارهایی که

1. Atiśa
2. Bon
3. bartotodel

لاما کرمه سومدون^۱ در اوایل قرن بیستم با زائران دارد، آمده است که او ضمن ابراز احساسات به بازدیدکنندگان، مطالبی درباره بودای آینده - میتریه - به ما آموخت و در پایان برای آمدن او دعا کرد (Evans-Wentz, 1954: 90).

در آیین بودای تنتره‌یانه، میتریه به عنوان دیانی بوداسف معرفی شده است. طبق این سنت، دیانی بودایان در «سم‌بوگه‌کایه» یا کالبد بهره‌مندی‌اند و در آسمان (عالم برزخ) زندگی می‌کنند و مانوشی بودایان در نرمانه کایه یا کالبد خاکی، و در زمین به سر می‌برند. هر دیانی بودا، خالق چرخه‌ای از جهان است. ما در چهارمین چرخه زندگی می‌کنیم. امیتابه خالق همین چرخه‌ای است که در آن هستیم. بنابراین نظام، میتریه بودای پنجمین چرخه و آخرین آن‌هاست (Ibid: 90). این سنت حفظ شد و به همان شیوه اصلی تا به امروز در بیشتر دیرهای مکتب گلوگ باقی مانده و دیانه یا مدی تیشن‌هایی بر اساس آن طراحی شد. به عبارت دیگر، زندگی دینی و آیینی بوداییان، کاملاً آمیخته با فرهنگی است که میتریه سهم مهمی در ایجاد آن داشته است.

میتریه در مراسم «مونلم چنمو»

مهم‌ترین مراسم دینی بوداییان تبت، جشن «مونلم چنمو»^۲ یا جشن نیایش بزرگ نام دارد که از چهارمین روز سال نو قمری به مدت یک هفته برگزار می‌شود. این مراسم که بیش از پانصد سال قدمت دارد، ابتدا در شهر لهماسا در تبت برگزار می‌شد و پس از اشغال این کشور توسط چین کمونیست و ممنوع شدن فعالیت‌های دینی در آن، به دیر کوپان^۳ در نیپال انتقال یافت. امروزه دیر کوپان، یکی از مهم‌ترین دیرهای فرقه زردپوشان یا مکتب گلوگ است که در ۱۱ کیلومتری شمال شرق کاتماندو قرار دارد و هر سال میزبان هزاران بودایی برای برگزاری این مراسم است. نام و نشان میتریه در این مراسم به اندازه‌ای پررنگ است که برخی این مراسم را مراسم «میتریه پرستی» می‌نامند. بسیاری از لاما‌های معروف مثل دالایی لامای سوم و سوینام گیامکو به این دیر می‌روند تا این مراسم را انجام دهند. پنج روز اول جشن مونلم چنمو - که بزرگ‌ترین همایش جمعی راهبان آیین بودای تبت نیز هست - به برگزاری دعا، سخنرانی‌های مذهبی و خواندن سوتره‌های مقدس اختصاص دارد. رهروان در این گردهمایی بزرگ به نیایش دسته‌جمعی و انجام توسلات می‌پردازند و برای طول عمر استادان، سعادت و نجات

1. Lama Karma Somdon

2. Monlam Chenmo

3. Kopan

موجودات از چرخه رنج آلود هستی، برکت محصولات کشاورزی، صلح و امنیت جهانی و مانند آن دعا می‌کنند. در این جشن بزرگ، برنامه‌های مختلفی به اجرا درمی‌آید که از جمله آن‌ها، آزمون سالانه درجه گشه^۱ است که نوعی مقام فیلسوفی در آیین بودا به شمار می‌رود (Chitkara, 1999: 442).

در پنجمین روز این مراسم، برای میتزیه و تسریع در نزول او از آسمان توشیته به روی زمین و برقراری صلح و سعادت که او برقرار خواهد کرد، دعا می‌خوانند. این مراسم در سال ۲۰۰۹ از ششم تا یازدهم مارس برگزار شد. جزئیات آن در سایت‌های مختلف اینترنتی از جمله سایت مونلم^۲ آمده است. حدود هزار لاما و بیش از دویست هزار بودایی در این مراسم شرکت کردند. نخستین بار، مراسم مونلم توسط راهب اعظم، لاما تسونگ گپه در ۱۴۰۹ ق برگزار شد. او در آن زمان از همه مردم تبت دعوت کرد تا در این جشن نیایشی شرکت کنند. تسانگ کپه به مردم گفت که باید داستانی از زندگی شاکیه مونی در سوتره عاقل و جاهل احیا شود و برای آن مراسمی برگزار گردد. طبق داستان آن سوتره، بودا توسط شش استاد رقیب برای به نمایش گذاشتن نیروهای فوق طبیعی به چالش کشیده شده بود. او چند سال از شرکت در چنین نمایشی طفره می‌رفت تا مردم فکر کنند از نیروی جادویی رقیبان خود می‌ترسد. بودا حمایت درباری خود را از دست داد، ولی اجازه داد تردید و نگرانی در میان مردم فزونی گیرد. سرانجام بودا در شهر شروستی، این چالش را پذیرفت و در مقابل جماعت عظیمی از مردم از همه نواحی شمال هند ایستاد و به مدت دو هفته از اولین ماه قمری سال، شروع به نمایش معجزه‌های پی‌درپی کرد. استادان رقیب بی‌درنگ تحت تأثیر قرار گرفتند؛ زیرا بودا تجلیات غیرعادی به نمایش گذاشت. بودا خلال دندان‌های به زمین انداخت و آن رشد کرد و تبدیل به یک درخت بزرگ جواهرات شد. او دهان خود را با آبی خوش بو شست و شو داد و دریاچه‌هایی آسمانی با مرغابی‌هایی آسمانی و نیلوفرهایی از جواهر پیدا شد. همچنین، بودا به مراقبه نشست و اشعه‌های نور از خود ساطع کرد و نیز همه جا را از بوداها و بوداسف‌ها و خدایان آسمانی پر کرد. آموزه‌های رهایی و بیداری به هر زبانی که برای بشر شناخته شده بود طنین‌انداز شد و اذهان همه اهل مجلس را روشنی بخشید. بودا حتی کالبد خودش را به صورت بی‌شماری تکثیر کرد و دلسوزی‌اش آشکارا به بیداری حاضران مجلس انجامید. می‌گویند در طول نخستین جشنواره نیایشی بزرگ در ۱۴۰۹ همه مردمی که در لهاسا جمع شده بودند، تصویری از بوداها و

1. Geše
2. www.monlam.org

موجودات آسمانی که آسمان را فراگرفته بود، دیدند.^۱

در ادامه این مراسم، لاما‌های دیر کوپان، مجسمه‌ای زرانود از میتریه را تزئین می‌کنند و با مراسمی ویژه، بر سر او تاج می‌گذارند. سپس در حالی که گروهی از آنان به همراه بوداییان غیررهرو دور مجسمه میتریه حلقه زده‌اند، آن را با شکوهی خاص به بیرون دیر آورده و در مسیر ویژه‌ای به سوی معبد بوداناث - که چهار کیلومتری آن جا قرار دارد - می‌برند. پرده‌ای بزرگ از حالات میتریه (تنگکه) به طول ۱۸ و به عرض ۱۳ متر رونمایی می‌شود. همه لاماها سوتره می‌خوانند و حدود سیصد نفر در بوق و کرنا می‌دمند. گروهی بر سر مجسمه چتر می‌گیرند و گروهی علم‌های مذهبی در دست دارند. سپس برخی از لاما‌های جوان با ظرف‌های مخصوص برای خواننده‌های سوتره‌ها، چای گره‌دار می‌برند. رقصی آیینی به نام چمدو اجرا می‌شود و چراغ‌هایی کره‌سوز در ظرف‌هایی به شکل قایق کوچک روشن شده و به یاد میتریه به رودخانه سپرده می‌شوند.^۲

دعاهای ویژه میتریه

دعاهایی که به درگاه میتریه انجام می‌شود، سلطان دعاهای تبت لقب گرفته است. یکی از رهروان بزرگ تبت به نام لاماتنژین که هدایت مراسم مونلم را به عهده دارد، اهمیت این دعا را چنین توضیح می‌دهد:

دعا برای میتریه، یکی از پنج دعای بزرگ بوداییان تبت و «سلطان دعاها» است. بودا این دعا را به آینده آموخت، در حالی که می‌گفت: هنگامی که در راه روشن شدگان (بوداسفان) سلوک می‌کنی باید این دعا را سه بار در روز و سه بار در شب زمزمه کنی. (www.monlam.org)

کتابی به نام هشت دعا در حق درگذشتگان وجود دارد که امروزه در تبت خوانده می‌شود. هر یک از این هشت دعا، به نوعی با میتریه در ارتباط است. یکی از آن‌ها «دعای روزانه به درگاه میتریه» است که به نظر می‌رسد همان سلطان دعاها باشد که چند بیت آغازین

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره مراسم مونلم و آنچه ذکر شد به آدرس‌های زیر مراجعه کنید:

www.kopan-monastery.com/downloads/monlamchenmo2005.pdf; www.nyingma-monlam.org;
 ۲. متأسفانه این مراسم و چند مراسم مهم بومی تبت در بیشتر کتاب‌هایی که درباره آیین بودای تبتی نوشته شده منعکس نشده است. از این رو، گاهی ناگزیریم به گزارش‌های پراکنده خبرنگاران اعتماد بسنده کنیم که البته مشکلات خاص خود را دارد؛ از جمله این‌که در نوشتن نام مراسم، دیرها و مانند آن رعایت استاندارد خاصی نمی‌شود و به طور نمونه، در آدرس زیر دیر جمپالینگ (jampaling) را چنبالینگ (Chanbaling)، یا گمپالینگ (Qampaling)، گزارش کرده که نادرست است: http://english.chinatibetnews.com/ChangDu/2009-04/10/content_228474_2.htm

آن چنین است:

به آن شخص بیدار سجده می‌کنم،
و به یُگی‌ها، که چشم آسمانی دارند.
و به بوداسفان و ...
میتریه، با رسیدن به بوداگی، و روشن شدگی بزرگ،
چرخ درمه را به گردش درخواهد آورد
تا به همه موجودات سود رساند.^۱ (Zopa Rinpoche, 2007: 37)

همچنین، دعای دیگری هست که «دعا در مقابل مجسمه میتریه» نام دارد که چند بیت از آن را می‌آوریم:

هنگامی که میتریه نجاتبخش، آن خورشید والا،
رو به بالا، به سوی جایگاه بودگیا می‌تابد،
و شکوفه خرد من باز می‌شود،
در آن زمان، میتریه بسیار خوشحال است، و
دست راست خویش را بر سر من می‌کشد، و
روشن شدگی بزرگ و بی‌قیاس من تحقق می‌یابد.
تا در آن هنگام، به شتاب به بوداگی برسم،
تا به موجودات زنده خدمت کنم (Ibid: 37).

دلایل گرایش‌های جدید بوداییان تبتی به احیای اندیشه موعود

دلایل سیاسی

به باور برخی پژوهشگران همچون گولدشتاین، دین مردم تبت عامل اساسی اختلافات سیاسی آن‌ها بوده است. آیین بودا در تبت باعث اختلاف رؤسای دیرها با یکدیگر و در نتیجه اختلاف و تجزیه طلبی شد و زمینه را برای حمله چین برای تسخیر آیین کشور فراهم کرد. اما در مقابل، محققانی مانند استفان رومر معتقدند آیین بودای تبتی، عامل مهمی در ایجاد اتحاد میان همه مردم تبت است (Roemer, 2008: 20).

به دیگر سخن، این آیین در عین حال که پیش از حمله چین کمونیست به این کشور در

۱. این دعا در فصل چهل و یکم از سوتره رتنه کوته آمده که توسط گروهی از مترجمان، از جمله خانم میشل مارتین (Michelle Martin) تحت نظر استاد خنیو تسولتریم گیامتسو رینپوچه (Khenpo tsultrim Gyamtso Rinpoche) ترجمه شده است.

سال ۱۹۵۹، عامل اختلافات سیاسی بود، اکنون می‌تواند عامل اتحاد آن‌ها باشد. در سال ۱۹۵۹ حزب چین کمونیست به دستور مائو به تبت حمله کرد و این کشور را ضمیمه خود نمود. دالایی لامای چهاردهم - که در آن زمان نوجوان بود - پس از چند ملاقات با مائو - رهبر چین کمونیست - به نتیجه‌ای نرسید و مائو تصمیم گرفت در یک عملیات سری او را به قتل برساند. دالایی لاما از توطئه آگاه شد و به هند گریخت. به دنبال او موجی از مهاجرت تبتیان به هند آغاز شد و به دالایی لاما اجازه دادند در شمال هند، دولتی را به نام «دولت در تبعید» تشکیل دهد. وجود این دولت به معنای آن است که از نظر حقوق بین الملل، آن‌ها تبعیدی هستند، نه پناهنده، و هنگامی که کشورشان به آن‌ها بازگردانده شود، همین نوع دولت در تبعید را در آن‌جا به اجرا درخواهند آورد (Ibid: 19).

دالایی لامای چهاردهم از زمانی که وارد هند شده، اداره‌ای به نام اداره مرکزی تبت متعلق به دالایی لاما (CTA) تأسیس کرده است تا امور سیاسی مربوط به مسئله اشغال تبت را پی‌گیری کند. هر زمان که روابط غرب با چین تیره می‌شود، امریکا مسئله نقض حقوق بشر توسط چین را پیش کشیده و تبت را مثال می‌زند و بلافاصله با فروکش کردن تنش میان غرب و چین، مسئله به فراموشی سپرده می‌شود. به طور خلاصه امروزه دالایی لاما با دو مشکل عمده سیاسی مواجه است؛ نخست این‌که هنوز توسط همه فرقه‌های مذهبی تبت مورد تأیید قرار نگرفته تا بتواند خود را نماینده واقعی مردم تبت معرفی کند؛ و دوم این‌که نیازمند یک پارچه کردن ملت پراکنده تبت است تا به آن‌ها امیدی دوباره ببخشد و آنان را به ادامه مبارزه ترغیب کند (Ibid: 20). بدین ترتیب، احیای آموزه منجی موعود، در قالب پروژه بزرگ میتریه گامی مؤثر در وحدت بخشیدن به این ملت پراکنده و ایجاد امید و انسجام سیاسی در میان آنان است.

دلایل اجتماعی

با این‌که دالایی لاما در میان بوداییان تبتی نفوذ زیادی دارد، اما همواره اعتراضاتی نیز علیه او بوده است. از مهم‌ترین آن‌ها این است که دالایی لاما قدرت را از طریق انتخابات مردم تبت به دست نگرفته است، بلکه آن را بر اساس عقیده به تناسخ و وصیت دالایی لامای پیشین تصاحب کرده است. به دنبال چنین انتقادی بود که دالایی لاما کمیته‌ای را برای بررسی این مسئله که اصولاً چه چیزی به رهبری سیاسی دالایی لاما مشروعیت می‌بخشد، تعیین کرد. این گروه پس از پرس و جو در میان بوداییان تبتی، گزارشی خطاب به دالایی لاما نوشتند که بیش از آن‌که گزارشی سیاسی و علمی باشد، احساسی و درون دینی است. آنان

خطاب به دالایی لاما نوشتند:

شما چشم و دل مردم تبت هستید... شما روح ملت تبت و حاکم سیاسی و معنوی آن‌ها هستید. هیچ رهبری در حکومت‌های [مدعی] دموکراسی، از میزان اعتمادی که مردم تبت نسبت به شما دارند برخوردار نیست. (Roemer, 2008: 38)

به این ترتیب، اعتراض‌ها برای مدتی فروکش کرد، اما نشان داد که هنوز مسئله اصلی جامعه تبت اتحاد اجتماعی خود آن‌هاست و از آن‌جا که فعلاً دالایی لاما معروف‌ترین چهره سیاسی تبت و مورد حمایت غرب به شمار می‌رود، رقیبان سیاسی و دینی او ساکت هستند، ولی اگر حاکمیت تبت به صورت جدی مطرح شود، آن‌ها نیز حتماً به انتقادات خود دامن خواهند زد. از این‌رو دالایی لاما برای ایجاد اتحاد میان جامعه تبت باید از اعتقادات مشترک دینی آن‌ها بهره‌برد که در این میان، اعتقاد به میتریه یکی از ابزارهای مناسب و قدرتمند است.

نتیجه

از آن‌چه گفته شد درمی‌یابیم که اعتقاد به میتریه - منجی موعود بودایی - ریشه عمیقی در متون مقدس و فرهنگ مردم تبت داشته و دارد و آثار این بوداسف، همواره توسط راهبان تبتی خوانده می‌شود و الهام‌بخش انواع مختلفی از روش‌های مراقبه و سیر و سلوک‌های باطنی است. به‌رغم مشابهت آموزه میتریه با مهدویت در بنیان‌ها و مقاصد معنوی و اخلاقی، این اعتقاد، قابلیت آن را دارد که در عصر حاضر، توسط پروژه‌هایی مانند پروژه میتریه احیا شده و علیه ادیان دیگر، به‌ویژه اسلام مورد بهره‌برداری واقع شود؛ زیرا در آثار پیش‌گویانه آیین بودایی تبت، میتریه در برابر لشکر اسلام قرار می‌گیرد. دالایی لاما - که در سخنان خود به طور رسمی از ساخت مجسمه بزرگ میتریه حمایت کرد و حتی احیای آموزه میتریه را نیاز امروز جوامع بودایی دانست - از این طریق، هم می‌تواند توجه مجامع سیاسی و بین‌المللی را به مسئله تبت و اشغال این کشور توسط چین جلب کند و هم به جامعه آواره تبت که در کشورهایمانند هند، نپال، بوتان و حتی کشورهای غربی پراکنده شده‌اند، انسجامی دوباره ببخشد؛ زیرا او برای تحقق اهداف خود نگاهی ابزاری به اندیشه‌های دینی دارد و در میان اندیشه‌های دینی، اعتقاد به منجی موعود، یکی از مؤثرترین آن‌هاست که به جرأت می‌توان گفت دارای پتانسیل متحد ساختن مردم تبت و حتی بازگرداندن این کشور به بوداییان تبعیدی است.

منابع

- پاشایی، ع، *تاریخ آیین بودا (هینه یانه)*، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۰ ش.
- تودل، باردو، *کتاب تبتی مردگان*، ترجمه: مهران کندری، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۷۶ ش.
- جعفری، ابوالقاسم، *منجی موعود در آیین بودا*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ ش.
- شومان، هانس وولفگانگ، *طرح تعالیم آیین بودا*، ترجمه: ع. پاشایی، تهران، نشر فیروزه، ۱۳۷۵ ش.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله، *جامع التواریخ*، تصحیح: احمد آتش، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲ ش.
- هینلز، جان، *ادیان زنده شرق*، ترجمه: جمعی از مترجمان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ ش.
- Aronson, Harver B, *Motivations to Social Action in Theravada Buddhism*, Journal of Studies in the History of Buddhism, 1997.
- Bhattacharyya, Benoytosh, *An Introduction to Buddhist Esoterism*, Delhi, motilal Banarsidass, 1989.
- Cantwell, B, *Buddhism the Basics*, Routledge, 2010.
- Chitkara, M.G, *Encyclopedia Of Buddhism*, New Delhi, Ram Atma Assisted, 1999.
- Conze, Edward, *Buddhist Texts Through the Ages*, Harper & Row Publisers: 1954.
- -----, *Buddhist Scriptures*, Penguin Books: 1959.
- Eliade, Mircea, *The Ency. of Religions*, New York, 1987.
- Elverskog, Johan, *Buddhism and Isma on the Silk Road*, University of Pensilvania Press, 2010.
- Evans-Wentz, W.Y., *The Tibetan Book of Greet Liberation*, Oxford University Press, 1954.
- Geavy, David and Others, *Cross-disciplinary Perspectives on a Contested Buddhist Site*, Routledge: 2012.
- Hammar, Urban, *Studies in the Kalacakra Tantra*, Akademitryck, Edsbrak, Stockholm, 2005.
- Hawkins, Bradely, *Buddhism*, Routledge, 1999.
- Hoffman, Helmut, *Kalacakra Studies*, I. Manicheism, Christianity, and Islam in the Kalacakra Tantra, Central Asian Jurnal 13, 1969.
- Hookam, Shenpen, *the Buddha Within*, New York Press, 1991.
- Kim, Inchang, *The Future Buddha Maitreya*, New Delhi, D.K.Printword 1997.
- Lancaster, Lewis, *Maitreya*, In The Encyclopedia of Religion, ed. Mircea Eliade, vol. 9. New York: Macmillan, 1987
- Nithiyandam, N.V, *Theistic Buddhism .Pub*, 1989.

- Powers, John, *A Bull of a Man*, Harvard University Press, U S A, 1998.
- Prebish, Charles S. & Keown, Damien, *Buddhism*, Journal of Buddhist Ethics, Online Books, Ltd. 2006.
- Roemer, Stephenie, *the Tibetan Government-in -Exile*, Routledge, 2008.
- Schumacher, Stephan & Woerner, Gert, *The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion*, Shambhala, Boston: 1994.
- Scott, David, *Buddhism and Islam: Past to Present Encounters and Interfaith Lessons*, Numen, Vol. 42, No. 2, May, 1995.
- Snodgrass, Adrian, *Matrix and Diamond World Mandalas*, Delhi, Aditya Prakashan, 1997.
- Snellgrove, David, *Indo- Tibetan Buddhism*, New York, Shambhala, 2000.
- Wallace, A. Vensa, *the Inner Kalacakra Tantra*, Oxford University Press, 2001.
- Williams, Paul, *Buddhist Thought*, London & new York, Routledge, 2000.
- Zopa Rinpoche, *Eight Prayers to Benefit the Dead*, Foundation for the Preservation of the Mahayana Tradition, U S A, 2007.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی